

# طرح از زوومینا

## شخصیت پردازی زن در قرآن

علی نبی الاهی

کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن

چکیده:

نوشتار حاضر نگاهی است از زاویه هنر داستان نویسی به برخی از ظرافتها و ریزه کاری‌هایی که در شخصیت پردازی زنان در قرآن به ویژه داستان‌های آن وجود دارد. هدف اصلی نوشتار، بررسی و کند و کاو و گاه تطبیق یافته‌های علم داستان نویسی به ویژه شخصیت پردازی بر برخی از داستانها و شخصیت‌های زن قرآنی و پی بردن به حقایقی است که خداوند در پردازش داستانها و شخصیت‌های زن در قرآن از آنها در حد کمال استفاده نموده است.

چنانکه روشن است کشف این حقایق هم موجب بهره‌گیری از آنها در نگارش داستانهای اسلامی - قرآنی (در خلال پردازش شخصیت‌ها) بوده و هم تبیین و آشنایی هر چه بیشتر با کلام الاهی به ویژه داستانهای آن را در پی دارد.

کلید واژه‌ها: زنان، نمونه، قرآن، شخصیت.

### مقدمه:

بخش مهمی از آیات قرآن به قصص اختصاص یافته است، داستان‌هایی که برخی کوتاه و بعضی مفصل و طولانی بیان شده‌اند. بیش از 60 داستان و حدود 1800 آیه در قرآن به قصص اختصاص دارد که قسمت اعظم آنها به ذکر داستان‌های پیامبران و سرگذشت امم پیشین می‌پردازد؛ چرا که هدف اصلی قرآن از ذکر داستانها، معرفی الگوهای سعید و شقی در زندگی انسان‌هاست که در این رهگذر پیامبران کامل‌ترین و بارزترین الگوها و اسوه‌های بشریت‌اند. در برابر، مخالفین آنها نیز بهترین ترسیم‌کنندگان انسانهای تیره بخت و بد فرجام هستند.<sup>1</sup>

بنابراین، می‌توان گفت محتوای اصلی اکثر قصه‌های قرآن در قالب مبارزه بین حق و باطل است که قرآن باطل را همچون سرابی، ناپایدار می‌داند.<sup>2</sup>

داستان‌های قرآن، حکایت زندگی قهرمانان قصه‌ها نیست، بلکه خود زندگی است و به مخاطبان خود، زندگی و جنبش، ایمان و اعتقاد و اراده می‌بخشد؛ زیرا مخاطب خود را به تماشای انسان‌های ملکوتی دعوت می‌کند و زیبایی‌های وجودی آنان را به وی می‌نماید. قرآن در این نمایشگاه بزرگ، ما را به تماشای تصویر زیبایی فرا می‌خواند، تصویری از مریم و عبادتهایش،<sup>3</sup> همسر فرعون و مقاومت او در برابر فرعون و پایداری و باقی ماندن بر ایمان به حضرت موسی،<sup>4</sup> زندگانی توحیدی ابراهیم علیه السلام،<sup>5</sup> پرده‌ای از زندگی اسماعیل، این قهرمان با اخلاص و با ایمانی که در برابر فرمان محبوب، خود را نمی‌بیند و پدر را به اجرای تکلیف الهی تشویق می‌کند.<sup>6</sup> در این نگرش کلان، قصه و داستان‌های قرآن همه وسیله‌ای هستند برای هدایت بشریت به سوی نور توحید و نجات انسان از فتنه‌های شیاطین.<sup>7</sup>

شخصیت در قرآن چه با نام مریم سلام الله علیها و محمد صلی الله علیه و آله و ابراهیم و موسی و هارون علیهم السلام شکل گرفته باشد، چه بی نام مثل ملکه سبا، دختران شعیب



و... تأثیری بر پیام رسانی قصه ندارد؛ زیرا در قرآن گاهی گفتگو بیانگر ماهیت درونی شخص است، مثل همسر فرعون و گاه شخصیت، خود بیانگر واقعیت درونی فرد است مانند ساحران فرعون که گفتند:

﴿قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ وَمَا نَتَّقِمُ مِّنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ﴾ (اعراف: 125 و 126)

(ساحران) گفتند: «(مهم نیست)، ما به سوی پروردگاران بازمی‌گردیم! انتقام تو از ما، تنها به خاطر این است که ما به آیات پروردگار خویش - هنگامی که به سراغ ما آمد - ایمان آوردیم. بار الها! صبر و استقامت بر ما فرو ریز! (و آخرین درجه شکیبایی را به ما مرحمت فرما!) و ما را مسلمان بمیران!

بنابراین شخصیت در قرآن عملکردی غافلگیرانه دارد؛ چون همین ساحران که همدست فرعون بودند اکنون با سوز و گداز به خداوند ایمان می‌آورند و صبر و شکیبایی می‌کنند<sup>8</sup> و همسر فرعون با اینکه همسر طاغوت زمان خود بود؛ ولی یکتاپرستی را اختیار کرد و حتی از بذل جان خویش در این راه نیز ترسی به خود راه نداد.

### تاریخچه

در کتابهایی که در زمینه اعجاز، تفسیر و قصص قرآن به دست پیشینیان تألیف شده است به سبک داستان پردازی و ساختار هنری داستان های قرآن اشاره‌ای نشده، در حالی که در قرآن کریم داستانها در قالب ساختارهای هنری بیان و ارائه شده‌اند؛ ولی در ادبیات نوین و پس از گذشت سال‌های متمادی بعضی از آن ساختارها، اکنون تحلیل و بررسی می‌شود.

ناگفته پیداست که داستان - که یکی از موضوعات اساسی قرآن است - همواره کانون توجه اندیشه‌وران مسلمان بوده است؛ اما این توجه بیشتر به جنبه‌های تاریخی و تربیتی معطوف شده است، به طوری که به انبوهی از کتاب‌ها، با عناوینی مانند قصص الانبیاء و داستان



هایی از آدم تا خاتم و عناوینی مشابه آن بر می‌خوریم که محور بحث آنها مسائل تاریخی قصص قرآن و مانند آن است؛ اما در این نگاه‌ها به جنبه‌های هنری و مسائل مربوط به شیوه‌های داستان پردازی و تحلیل عناصر قصص مثل شخصیت‌های زن در قرآن چندان پرداخته نشده است.

البته درباره کتبی که پیرامون قصص قرآن به رشته تحریر در آمده است باید گفت که تاریخچه این دست از کتب بسیار قدیمی و کهن است که می‌توان از آنها به کتابهایی که با عناوین قصص الانبیاء و موارد مشابه نوشته شده یاد کرد؛ اما درباره کتبی که به بررسی هنری و تحلیل قصص و عناصر آن همت گماشته‌اند شاید بتوان گفت دکتر محمد احمد خلف الله اولین کسی است که در این عرصه قدم گذاشت. کتاب وی تحت عنوان «الفن القصصی فی القرآن الکریم» است که رساله دکترای اوست و راهنمایی آن را امین الخولی برعهده داشته است.

این رساله جنجال عظیمی در محافل علمی ادبی و دانشگاهی مصر و دیگر کشورهای عربی به راه انداخت؛ چرا که عده‌ای به طرفداری از مؤلف پرداختند و در برابر برخی علم مخالفت با وی را برافراشته و به تکفیر وی پرداختند؛ چون نویسنده این کتاب به مسائل هنری و شیوه‌های داستان پردازی در قرآن پرداخته و ادعا نموده که در قرآن حوادث داستانی به شیوه‌ای ادبی بیان گردیده و با طرح مسائلی چون شبهه وجود رد پای اساطیر در قصه‌های قرآن و متشابه بودن آنها باعث نزاع و جنجال شده است.

به هر تقدیر، بعد از وی پژوهش‌های دیگری در کشورهای عربی در این زمینه صورت گرفت مانند: «القصص القرآنی فی مفهومه و منطوقه» تألیف عبدالکریم الخطیب و «بحوث فی قصص القرآن» تألیف سید عبدالحافظ عبد ربه و «التصویر الفنی فی القرآن و فی ضلال القرآن» تألیف سید قطب و در ایران هم پژوهش‌های پراکنده‌ای صورت پذیرفته است که مهم‌ترین آنها «دراسات فنیة فی قصص القرآن» تألیف دکتر محمود بستانی است که مؤلف



در آن به شکلی کلی و سطحی به بعضی از شیوه های داستان پردازی در قرآن پرداخته است. اصل این کتاب عربی است و به فارسی نیز ترجمه شده است. همچنین در این کتاب، با نگاهی نو داستانهای قرآن، شیوه های داستان پردازی و تحلیل عناصر داستان، همچنین تحلیل عناصر ادبی داستان مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است.<sup>9</sup>

## مفهوم شناسی

### 1. مفهوم شناسی قصه

#### 1-1. قصه از لحاظ لغوی:

قصه از ماده «ق ص ص» و بر وزن «فَعَلَه» مصدر نوعی است که به معنای خبر،<sup>10</sup> حدیث و بخشی از کلام،<sup>11</sup> امر،<sup>12</sup> آنچه نوشته شود،<sup>13</sup> شان،<sup>14</sup> داستان و قصه‌ای که نوشته شود،<sup>15</sup> حال،<sup>16</sup> کار<sup>17</sup> و سخن<sup>18</sup> است، جمع این کلمه قصص [به کسر قاف] و جمع الجمع آن اقاویص است.<sup>19</sup> همچنین به معنای سینه یا بزرگی آن (شرح صدر)، آنچه از پشم بافته می‌شود، فن قصه یا خبری که بیان شده و همچنین سوره ای از قرآن نیز استعمال می‌گردد.<sup>20</sup>

قصّ [استعمال حالت فعلی] فعل ماضی از ماده (ق ص ص) و از باب اصلی ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ) است که معانی چون بیان کرد،<sup>21</sup> خواند، برید و برچید<sup>22</sup> و اثر چیزی را پی‌گیری کرد<sup>23</sup> را در بردارد و اشتقاق "قصاص" در زخم‌ها و جراحات‌ها هم به همین معنا [پی‌گیری اثر] است، چرا که با زخم زنده رفتاری مشابه رفتار او انجام خواهد شد.<sup>24</sup>

همچنین گفته شده که اصل قصه همان دنباله روی چیزی از چیز دیگر است و خبر بلند را از آن جهت قصه گویند که قسمتی قسمت دیگر را دنباله روی می‌کند تا اینکه قصه شکل گیرد. بر این اساس می‌توان گفت قصه خبر دادن از اموری است که آن امور برخی در پی برخی دیگر ذکر می‌گردند و فرق قصه با حدیث آن است که قصه بلندتر و دامنه دارتر از

حدیث است. ذکر این نکته شاید خالی از فایده نباشد که ماده (ق ص ص) به صورتهای مختلفی مثل "قصصنا" (فعلی) و یا اسمی مثل "القصص" و در مجموع 30 بار و در 14 سوره و 25 آیه قرآن به کار رفته است.

## 2-1. کارکرد ماده (ق ص ص) در قرآن: [مفهوم اصطلاحی]

درباره مفهوم اصطلاحی این واژه باید گفت قصه به معنی حکایت و سرگذشت است؛ ولی برای تبیین هر چه بیشتر این مطلب، کارکردهای مختلف این ماده و معانی‌ای که قرآن از این ماده لحاظ داشته را به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) "قَصَصْنَاهُمْ" به معنی خبر دادن از آنها:

﴿وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقُصُّهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾<sup>25</sup>

"و پیامبرانی که سرگذشت آنها را پیش از این، برای تو باز گفته‌ایم و پیامبرانی که سرگذشت آنها را بیان نکرده‌ایم و خداوند با موسی سخن گفت. (و این امتیاز، از آن او بود.)"

ب) امر به قصه [بازگویی داستان] برای اهداف معین:

﴿... ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (اعراف: 176)  
 "این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. این داستانها را (برای آنها) بازگو کن، شاید بیندیشند (و بیدار شوند)!"

ج) روایت و بازگو نمودن قصه:

﴿قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ...﴾ (یوسف: 5 و همچنین قصص: 25)



"گفت: «فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن. "

### 3. مفهوم شناسی شخص و شخصیت از نظر لغوی و اصطلاحی

#### 3.1. شخص و شخصیت از دیدگاه لغت شناسان:

الف) شخص، سیاهی انسان از دور،<sup>26</sup> کالبد مردم، تن، بدن انسان<sup>27</sup> و جمع آن اشخاص و شخوص است و شخصیت یعنی شرافت و بزرگواری،<sup>28</sup> ذات هر شخص، خلق و خوی مخصوص هر کس و مجموعه خصایصی که یک فرد را از دیگران متمایز می‌کند.<sup>29</sup> مرحوم دهخدا شخصیت را از نظر روانشناسی - حقوقی و سیاسی نیز مورد بررسی قرار داده است که برای جلوگیری از اطاله مطلب از ذکر آن خودداری می‌شود.<sup>30</sup>

نویسنده فرهنگ بزرگ سخن نیز شخص را، یک تن از افراد انسانی، فرد، خود، بیکر و بدن معنا نموده و در بیان معنی شخصیت می‌نویسد: شخصیت عبارت است از:

الف) مجموعه‌ای منسجم و واحد، متشکل از صفات و خصوصیات نسبتاً ثابت و مداوم که بر روی هم یک فرد را از فرد دیگر متمایز می‌سازد؛

ب) منش و صفات پسندیده شخص؛

ج) هر کدام از قهرمانان یک داستان، فیلم یا نمایش؛

د) کسی که در یکی از زمینه‌های فرهنگی، علمی و سیاسی و... دارای اعتبار و مقام والایی است.

او نیز شخصیت را به شخصیت‌های چندگانه، حقوقی - حقیقی، مثبت و منفی تقسیم می‌کند.<sup>31</sup>

#### 3.2. شخص و شخصیت از نظر اصطلاحی [بیان دیدگاه جامعه شناسان]

شخص<sup>32</sup> و شخصیت فردی است که در یک یا چند گروه دارای پایگاه است. خانواده اولین گروهی است که فرد با آن تماس پیدا می‌کند و از این روست که نخستین بار فرد پایگاهی



به دست می‌آورد. شایان گفتن است که مراد از شخصیت در قصه‌های قرآن، تنها انسان نیست. بلکه هر موجودی که رویداد یا سخن یا اندیشه‌ای به او نسبت داده شود، شخصیت قصه قلمداد می‌شود. از این رو، فرشته جن، پرنده و... همه شخصیت‌های قرآن محسوب می‌شوند.<sup>33</sup>

### بایستگی‌های شخصیت در داستان

شخصیت‌های داستانی باید واقع نما و حکایتگر واقع باشند، یعنی بتوان آنها را در عالم خارج تصور نمود، به عبارت دیگر آنها ما را متقاعد کنند تا بتوانیم چنین شخصیت‌هایی را بپذیریم و به رفتار و عواقب آنها علاقمند شویم. پذیرفتنی و باورکردنی بودن شخصیت عامل مهمی است و یکی از تکیه‌گاه‌های اساسی در نقد است، براین اساس شخصیت پذیرفتنی و باورکردنی باعث می‌شود تا خواننده داستان را بهتر بپذیرد و راحت‌تر قبول کند.

بنابراین آفرینش شخصیت شاید هیجان‌انگیزترین وجه داستانی باشد. نویسنده با خلق یک شخصیت گویی، به آفرینش انسانی دست می‌یازد که می‌تواند مختارانه در ماجرای داستان حضور پیدا کند و تاثیرگذار باشد، در واقع همین آفرینش شخصیت، نویسنده را مانند خالقی می‌سازد و او را دچار تجربه‌ای غریب؛ اما لذت بخش می‌سازد.

### اهمیت بحث شخصیت پردازی

نکته مهم در بحث شخصیت پردازی قصه این است که این مطلب به خواننده امکان شناخت انسان را می‌دهد و بررسی شخصیت‌های موجود در یک داستان می‌تواند بهترین درس‌های انسان‌سازی و انسان‌شناسی را در برداشته باشد؛ چراکه پی بردن به درون انسان و راهیابی به پیچیدگی‌های درونی و تمام ابعاد وجودی او در زندگی عادی وی، مشکل و حتی ناممکن می‌نماید.





نکته دیگر اینکه در هر اثر و داستانی، رشته‌ای از حوادث به وسیله شخصیت‌های آن به وجود می‌آید<sup>34</sup> و نقش مهمی در ساختار قصه دارد، البته منظور از شخصیت پردازی، قهرمان پروری و قدرت نمایی بیهوده نیست؛ چراکه در قصه‌های قرآنی شخصیت پردازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است در عین حال که قهرمان پروری بیهوده نیز هرگز در قرآن به چشم نمی‌خورد.

### ویژگی‌های طرح زنان در قرآن

1. نقش زن در قرآن نقشی منطقی و مبتنی بر قداست و حرمت است، قرآن هرگز جلوه‌های تحریک کننده زن را واسطه گوینده و شنونده قرار نداده است، حتی در داستان حضرت یوسف علیه السلام هم اثری از جذابیت‌های تحریک کننده زنانه دیده نمی‌شود.
2. در قرآن زن و مرد با یکدیگر برابرند و برتری آنها بر یکدیگر به واسطه تقوا است. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: 13)

"گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست."

حتی خداوند در قرآن همسر فرعون را به عنوان الگو و نمونه‌ای برای همه مومنین اعم از زن و مرد معرفی کرده است.<sup>35</sup>

3. نکته دیگر در این باره این است که قرآن، شخصیت زنان را در جایگاه آنان تعریف کرده و نه با اسم آنان، چنانکه می‌بینیم در برخی از داستانها، شخصیت‌ها تحت تأثیر اسمشان هستند؛ ولی در داستان‌های قرآنی، شخصیت‌های زن، تحت تأثیر ویژگی‌های خود هستند. به عنوان مثال، زلیخا هوس‌باز است، ملکه سبا، هوشمند و فروتن است، همسر فرعون شیفته عشق به خداست و... بر همین اساس است که خداوند تنها از یک زن آن هم حضرت مریم نام می‌برد و دیگر هیچ اسمی از دیگر زنان در قرآن به چشم نمی‌خورد.<sup>36</sup>



### یادکرد زنان شایسته و ناشایست در قرآن:

از پیامبران و معصومین، شخصیت‌های زیادی در قرآن مطرح شده‌اند. پیامبرانی مثل نوح،<sup>37</sup> آدم،<sup>38</sup> عیسی،<sup>39</sup> موسی،<sup>40</sup> محمد،<sup>41</sup> ابراهیم،<sup>42</sup> لوط<sup>43</sup> و هود<sup>44</sup> که نام آنها در قرآن ذکر و یا تکرار شده است و از دسته دیگر یعنی کسانی که اسم آنها در قرآن نیامده؛ ولی توصیف‌شان در قرآن آمده است می‌توان به حضرت زهرا سلام الله علیها و فرزندان‌شان اشاره کرد که در جاهای مختلفی از قرآن از ایشان یاد شده است. در این میان قرآن از زنی که معصومه (دارای مقام عصمت) باشد یاد نکرده است و تنها از حضرت زهرا سلام الله علیها نام برده که ایشان دارای مقام عصمت هستند و اگر درباره حضرت مریم هم به عصمت او قائل شویم، ایشان هم به حضرت زهرا سلام الله علیها ملحق می‌شوند و در قرآن زن دیگری که معصومه باشد را نمی‌بینم.

به عنوان مثال می‌توان از آیه تطهیر<sup>45</sup> و آیه مباحله<sup>46</sup> یاد نمود<sup>47</sup> که مراد از "ابناءنا" طبق نظر مفسران از خاصه و عامه؛ امام حسن و امام حسین علیه السلام هستند و مراد از "انفسنا" حضرت علی علیه السلام و مراد از "نساءنا" حضرت زهرا سلام الله علیها است و مطلب در آیه تطهیر نیز همین طور است، در عین حال می‌توان به آیه هشتم سوره انسان هم اشاره کرد که برخی از تفاسیر عامه<sup>48</sup> و تقریباً تمامی تفاسیر شیعه به این مطلب اشاره کرده‌اند.<sup>49</sup>

در برابر می‌توان از همسر فرعون،<sup>50</sup> دختران شعیب که به حیا و عفت مشهورند،<sup>51</sup> مادر حضرت موسی<sup>52</sup> و حضرت خدیجه همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله<sup>53</sup> به عنوان زنان نمونه و نیکوکار نام برد که فاقد مقام عصمت هستند.

درباره زنان ناشایست در داستانهای قرآن می‌توان به کسانی مثل: همسران نوح و لوط،<sup>54</sup> همسر ابولهب<sup>55</sup> و دو زن که مورد تهدید خداوند قرار گرفتند<sup>56</sup> و غیر آنها اشاره نمود.



## برخی از اهداف شخصیت پردازی در قرآن

### 1. الگودهی به خواننده از شخصیت‌ها و شاخص‌ها

تربیت انسان‌ها بر اساس اخلاق ارزشمند و پسندیده از مهمترین اهداف قصه‌های قرآنی است. این هدف به وسیله آشنایی با سرگذشت نیکان و فرجام سعادت‌مند اشخاص آن و آگاهی بر کیفیت و فرجام تبهکاران در اقوام گذشته به خوبی تأمین می‌شود؛ زیرا آشنایی با سرگذشت نیکان انگیزه مخاطبان قرآن را نسبت به لذتهای زود گذر و فرجام ناکام زشت‌خویان، به گونه‌ای تغییر می‌دهد که آنان از راه و روش قایل‌ها، قارون‌ها، فرعون‌ها و بلعم-باعوراها فاصله می‌گیرند و خود را به نیکان و روش و منش ایشان مانند همسر فرعون و غیر او، نزدیک می‌سازند.

قصه‌های هابیل و قایل - دو فرزند حضرت آدم علیه السلام - از جمله داستان‌هایی است که زشتی حسد و قتل به غیر حق و زیبایی تقوا، سخاوت و گذشت را به طور آشکار به نمایش می‌گذارد تا الگویی برای تمامی فرزندان آدم باشد. قرآن این حکایت را چنین به تصویر می‌کشد:<sup>57</sup>

﴿وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطِ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>58</sup>

همچنین داستان دختران حضرت شعیب و رفتار و گفتار ایشان نمونه‌ای از حیاست.<sup>59</sup>

### 2. معرفی الگوهای عینی مثبت و منفی

به طور کلی انسان هر آنچه برایش ملموس و محسوس باشد را بهتر می‌پذیرد و درک آن برایش راحت‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر برای درک بهتر مطلب از تشبیه معقول به



محسوس استفاده می‌شود که این مطلب درجای جای قرآن دیده می‌شود، مثلاً قرآن از بهشت یاد می‌کند و لیکن سؤال اینجاست که بهشت چگونه است و چه ویژگی‌هایی دارد؟ قرآن تنها به بیان اینکه بهشت جایگاه متقین است و جایی بسیار باشکوه است، بسنده نکرده است، بلکه در تبیین زوایای آن، از مواردی که بشر می‌تواند آنها را لمس کند، استفاده کرده است، تشبیه بهشت به باغی که از زیر درختان آن نهرهایی جاری است<sup>60</sup> و یا توصیف همسران بهشتی،<sup>61</sup> یا خوارکی‌های بهشتی<sup>62</sup> و ... می‌توان نام برد.

وقتی خداوند مؤمنین را مثلاً به صبر دعوت می‌کند برای آن مثال و نمونه و الگویی نیز ذکر می‌کند، توصیف روحیات حضرت ایوب، بیماری او و سختی‌هایی که بر وی وارد می‌شود، نوع تعامل آن حضرت با این مشکلات و ... در واقع پردازش شخصیت او به جهت ارائه الگو برای مؤمنین است که در مشکلات همچون حضرت ایوب صبر کنند:

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ (انبیاء: 83 و ص: 41)  
 "و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت): «بد حالی و مشکلات به من روی آورده و تو مهربانترین مهربانانی!»"

همچنین همسر فرعون که الگو و اسوه صبر و پایداری بر حق و پابرجا ماندن بر ایمان به خداست نیز در قرآن مطرح شده است. وی پس از دیدن معجزه موسی که عصایش سحر ساحران فرعون را بلعید به او ایمان آورد.<sup>63</sup> او پیوسته ایمان خود را مکتوم می‌داشت؛ ولی ایمان و عشق به خدا چیزی نیست که بتوان آن را همیشه کتمان کرد، هنگامی که فرعون از ایمان او با خبر شد بارها او را نهی کرد و اصرار داشت که دست از دامن آئین موسی علیه السلام بردارد و خدای او را رها کند؛ ولی این زن با استقامت هرگز تسلیم خواسته فرعون نشد. سرانجام فرعون دستور داد دست و پاهایش را با میخها بسته، در زیر آفتاب سوزان قرار دهند و سنگ عظیمی بر سینه او بیفکنند، اما دعای وی در این هنگام این بود:



﴿رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾<sup>64</sup>

خداوند نیز دعای این زن مؤمن پاکباز فداکار را اجابت فرمود و او را در کنار بهترین زنان جهان مانند مریم قرار داد.<sup>65</sup> همچنان که آیه زیر بیانگر این مطلب است:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ ... وَ مَرْيَمَ اِثْبَتَ عِمْرَانَ...﴾ (تحریم : 11 و

(12)

به عبارت دیگر و به طور کلی می توان گفت ارائه مفاهیم مثبت و منفی در قالب معرفی نمونه ای شخصیتی از آن مفهوم، بسیار اثر گذار و اثر بخش است، چنانکه معرفی تکبیر در قالب معرفی شخصیت ابلیس و منویات او و همچنین معرفی الگوهای مثبت و روحیات ایشان بسیار روحیه بخش و آموزنده خواهد بود.<sup>66</sup>

### 3. معرفی راه و رسم صحیح زندگی کردن

انسان ها در طول زندگی خود ممکن است با خوشی ها و ناخوشی های فراوانی رو به رو شوند. اینکه در مقابل برخی از مشکلات چگونه رفتار می کنیم؛ در کنار خوشی ها چگونه باشیم را خداوند با ترسیم و توصیف شخصیت های خود بیان می دارد. مثلاً ممکن است انسان وقتی ثروتمند می شود مغرور و متکبر شود، همچنانکه قرآن در این باره می فرماید:

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ﴾ (علق : 6 و 7) به یقین انسان طغیان می کند از

اینکه خود را بی نیاز ببیند!

لذا خداوند در این باره حضرت سلیمان و حضرت داوود را معرفی می کند، چراکه آن دو در برابر نعمتهایی که خداوند به ایشان عرضه کرد، شکر الهی را به جای آوردند بدین گونه که: ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ

الْمُؤْمِنِينَ ﴿نمل: 15﴾ و ما به داوود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم و آنان گفتند: «ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید» یا آنجا که قرآن داستان تطمیع ملکه سبا را برای اینکه وی بتواند تشخیص دهد طرف مقابلش انسان قدرت طلب و دنیا خواهی است یا اینکه دعوت او به حق و به سوی حق است را مطرح می‌کند که قرآن از این مورد چنین یاد می‌کند:

﴿وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ﴾ (نمل: 35) و من (اکنون جنگ را صلاح نمی‌بینم)، هدیه گرانبهایی برای آنان می‌فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می‌آورند (و از این طریق آنها را بیازمایم)!

قرآن کریم، حالت بازگشت حضرت سلیمان به سوی خدا را مطرح می‌کند که انسان می‌تواند در عین اینکه بسیار قدرتمند و ثروتمند باشد؛ ولی دائماً در حال بازگشت به سوی خدا و متوجه درگاه او باشد:

﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (ص: 30) ما سلیمان را به داوود بخشیدیم چه بنده خوبی! زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می‌کرد (و به یاد او بود)!

### ویژگی‌های شخصیت پردازی زنان در قرآن

به طور کلی از ملاحظه و تتبع در آیات قرآن می‌توان گفت که زن در قرآن در یک تقسیم بندی در دو زمینه، مطرح شده است:

الف: در خلال نظم عام قرآنی؛

ب: در خلال قصه‌های قرآنی؛

### الف) ویژگی‌های زن در نظم عام قرآنی

زنی که در خلال نظم عام قرآن ذکر شده به شرح زیر است:



1. زن در قرآن ذکر شده و قرآن او را مخاطب قرار داده است، چرا که او جزئی از انسانهاست و هم‌چنانکه یک مرد مقتدا و الگو برای دیگران قرار می‌گیرد، زن نیز به عنوان نمونه و مقتدا در قرآن یاد شده است.<sup>67</sup>
2. یادکرد قرآن از زنان، برای برانگیختن غرایز نیست، بلکه این یادکرد برای اثبات حقایق فطری بشر است.
3. زن همپای مرد است و دارای احکامی خاص، براین اساس چنانکه مرد دارای احکام خاص خود است، زن نیز چنین است، مثل بایستگی های رضاع<sup>68</sup>، احکام طلاق و عده زن در حالات مختلف او مثل یائسگی و بارداری<sup>69</sup> و یا مرگ همسر<sup>70</sup> و مواردی از این دست.
4. زن در قرآن مورد خطاب آسمانی و گفتگوی ملائکه (محدث) است، چنانکه درباره همسر حضرت ابراهیم<sup>71</sup> و مادر حضرت موسی<sup>72</sup> و حضرت مریم<sup>73</sup> مشاهده می‌شود.

#### ب) ویژگی زنان در قصص قرآنی

1. زن در قرآن و از نگاه آن، سبب دردها، رنجها و بلیه عالم (دردسر جهان) - چنانکه یونانی‌ها قائلند - و یا شیطان زیبا - آنکه آتنی‌ها می‌گویند - و یا اشتباه و گناه اول و کسی که آدم را فریب داد - چنانکه در عهد قدیم آمده<sup>74</sup> - نیست، این در حالی است که قرآن زن و مرد را با هم مورد خطاب قرار داده<sup>75</sup> و آنها را در انجام کارهای خیر و غیر آن یکسان انگاشته<sup>76</sup> و هر دو مورد وسوسه شیطان و اغوای او خوانده است،<sup>77</sup> همچنین هر دو را سرزنش نموده و توبه هر دو را به سوی خدا و طلب مغفرت و بخشش برای خود و فرزندان را اعلام نموده است.<sup>78</sup>
2. زن موجودی با اختیار و آزادی فکر معرفی شده است، همسر فرعون با همه فشارها و تهدیدات شوهرش از حق دست برداشت،<sup>79</sup> این در حالی است که ما در برابر، همسران



نوح و لوط را می‌بینیم که به کفر و الحاد خود ادامه دادند و حال آنکه شوهرشان پیامبر زمان بود.<sup>80</sup>

3. یادکرد این نکته هم خالی از فایده نیست که قرآن در خلال پردازش شخصیت‌های زن، به برخی از خصوصیات و ویژگی‌های زنان هم اشاره نموده است، مثل: الف) پافشاری زن برای دفاع از عرض و آبروی خود، چنانکه در قصه حضرت مریم در مواجهه با جبرئیل آمده است.<sup>81</sup>

ب) یا زنی که طلب ازدواج کرد که در داستان دختر حضرت شعیب دیده می‌شود.<sup>82</sup>

ج) اشاره به عاطفه مادری به نحو اعلای آن در یک زن بروز و ظهور یافته است.<sup>83</sup>

د) یادکرد قرآن از زنی<sup>84</sup> که غرایز، جلوی فکر او را گرفت و چشم خود را به روی همه چیز و پیامدهای کارش بست و او را به ارضای غریزه واداشت.<sup>85</sup>

ه) برخلاف تصور برخی، یادکرد قرآن از شخصیت زن، گاه به این صورت است که عواطف و احساساتش، او را تحت تأثیر قرار نداده و بر مبنای عقل و تفکر، امور را به پیش می‌برد که نمونه آن در ملکه سبا دیده می‌شود.<sup>86</sup>

### ویژگی‌های شخصیت پردازی زنان در قصه های قرآن

قرآن از زنان بسیاری یاد می‌کند؛ ولی این یادکرد با ویژگی های خاصی همراه است:

#### 1. عدم ذکر نام زنان در قرآن

قرآن هیچگاه اسامی زنان داستانها را ذکر نمی‌کند و بیشتر آنها را با لقب و نسبشان ذکر می‌کند مانند: امرة العزیز،<sup>87</sup> امراة لوط و امرة نوح،<sup>88</sup> امراة فرعون،<sup>89</sup> امرته (زن ابولهب)<sup>90</sup> و... تنها موردی که قرآن نام یک زن را می‌برد فقط و فقط حضرت مریم است که با وجود این باز هم گاه یاد کرد قرآن از ایشان با عنوان اخت هارون<sup>91</sup> و یا دختر عمران<sup>92</sup> است، البته ممکن است این مساله یعنی ذکر نام حضرت مریم در قرآن بدان جهت باشد که





او مادر حضرت عیسی است در حالی که آن حضرت پدر ندارد و از آنجا که فرزند را با نام پدر می‌خوانند و فلان بن فلان گویند آن حضرت "عیسی بن مریم" خوانده شده، البته این مطلب صرفاً یک برداشت و حدس است و ممکن است یادکرد نام حضرت مریم در قرآن دلایل دیگری نیز داشته باشد که اکنون در صدد تبیین و بررسی آنها نیستیم.

## 2. اصالت داشتن یادکرد زنان در قرآن

ذکر زن در داستانهای قرآنی به جهت ایجاد جذابیت و جذب مخاطب در قصه نیست، آنچنان که در قصه‌های بشری معمول است! بلکه یادکرد قرآن در این زمینه تنها در جهت دهی و بیان مسایل اخلاقی و آموزشی و مواردی از این دست است.

## 3. اشاره به برخی از روحیات زنان

قرآن به چند جنبه که از لحاظ روانی در زن نمود فراوانی دارد - البته این موارد در وجود مرد هم هست، ولی به شکل قوی‌تری در زنان وجود دارد - پرداخته است. یکی از آنها مسأله حیا و عفت زن است که قرآن این مسأله را با رفتار دختر حضرت شعیب به تصویر کشیده و آن را تبیین نموده است.<sup>93</sup> مورد دیگری که درست نقطه مقابل این گزینه است، مسأله هوی و هوس و پیروی از آن است، آنچنان که در قصه حضرت یوسف علیه السلام ملاحظه می‌کنیم که زلیخا چگونه پیامبر خدا را به گناه دعوت نمود.<sup>94</sup>

## 4. تبیین خوی مهرورزی زنان

مسأله دیگر، خوی مهرورزی در زن است؛ چیزی که در داستان حضرت موسی، همسر فرعون با جمله: "لا تقتلوه" (او را نکشید)<sup>95</sup> این مسأله را کاملاً بارز و شهود عینی می‌بخشد که شاید بتوان از آن با عنوان مهر مادری یاد نمود و یا مادر حضرت موسی که از



فراق فرزند خود بسیار بی تاب بود،<sup>96</sup> که قرآن به همه موارد یاد شده در قالب داستان و در خلال یادکرد برخی از زنان و صفات ایشان، بدانها اشاره نموده است.

## 5. به کارگیری اصطلاحات محاوره ای درباره زنان

ویژگی پنجم به کارگیری برخی اصطلاحات محاوره ای درباره شخصیت های زن قرآنی است. مثلاً قرآن درباره شوهر زلیخا لفظ "سید" را به کار برده و می فرماید: ﴿وَالْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْآبَابِ﴾ (یوسف: 25) و شوهر او را نزدیک در، یافتند.

علامه طباطبایی رحمه الله در این باره می گوید:

مقصود از "سید" همان عزیز مصر است که شوهر زلیخا بوده است، بعضی نیز گفته اند؛ اینکه قرآن او را "سید" خوانده از این جهت است که خواسته با اصطلاحات و عرف مصر حرف زده باشد، چون در مصر زنان، شوهران خود را "سید" می گفتند و تاکنون نیز این اصطلاح ادامه دارد.<sup>97</sup>

## نتیجه گیری:

آنچه از بررسی شخصیت های زن در قرآن به دست می آید آن است که زن همیشه در کنار مرد و پا به پای او در همه عرصه ها حضور و ظهور دارد که گاه نقش منفی و مخرب دارد، مثل همسران حضرت نوح و لوط و گاه نقش مثبت و سازنده مثل دختران شعیب یا ملکه سبا و یا همسر فرعون، بعلاوه اینکه این تبیین الگو از طرف خداوند در قرآن نشان می دهد، همانطوری که مردان می توانند به کمالات بسیاری دست یابند زنان نیز چنین اند و ارائه الگوهای عینی از زنان نمونه مثل آسیه و حضرت مریم خود گواه زنده ای بر تایید مطلب یاد شده است، در عین حال همین زنی که به عنوان الگو و نمونه مطرح شده، نه تنها برای زنان بلکه برای همه مومنین حتی مردان بیان گردیده است.



البته این حضور هیچگاه برای جلب و انگیزش غریزه جنسی و تحریک مردان و یا ایجاد جذابیت برای زنان دیگر نیست بلکه این یادکرد همواره با رعایت جوانب اخلاقی و به دور از برانگیختن هیجانان جنسی و موارد مشابه آن است - همچنانکه در برخی از داستانهای بشری امروزی نیز معمول است. افزون بر موارد پیش گفته در برخی از موارد هدف قرآن از شخصیت پردازی زنان اشاره به برخی ویژگی‌های روحی و اخلاقی ایشان است.

#### پی نوشت‌ها:

1. شریفی، محمد، تحلیل قصص، ص 25.
2. رعد: 17.
3. تحریم: 12 و آل عمران: 37 و 42 و 43.
4. تحریم: 11.
5. نساء: 125.
6. صافات: 102 و 103.
7. فرودین، عزیزه، زیبایی شناسی هنری در داستان های قرآن، قم 1384 چاپ اول، ص 5.
8. خراسانی، زهرا، اسرار ملکه صلح، صص 11 - 16 با تصرف و تلخیص.
9. پروینی، خلیل، تحلیل عناصر ادبی و هنری داستانهای قرآن، ص 15.
10. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، ج 18، ص 104.
11. همان.

12. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ج 2، ص 188.
13. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مجلد 7، ص 74.
14. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ج دوم، ص 188.
15. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، ج 18، ص 104.
16. منتهی الارب، ج 2، ص 1030.
17. همان.
18. همان.
19. همان.
20. فرهنگ الرائد، ج 2، ص 1181.
21. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ص 357.
22. فرهنگ کامل لغات قرآن، ص 413.
23. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، ج 18، ص 98.
24. ابن فارس، معجم مقائیس اللغة، ج 2، ص 363.
25. نساء: 164 و هود: 100 و اعراف: 107، همچنین است آیه 120 همین سوره و آیه سوم از سوره یوسف.
26. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج 2، ص 307.
27. لغت نامه دهخدا، ج 9، ص 1257.
28. فرهنگ فارسی امید، ص 560.
29. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج 2، ص 1542.
30. ن. ک. لغتنامه دهخدا، ج 9، ص 12506 و 12507.



31. ن. ک. فرهنگ بزرگ سخن، ج 5، ص 4461 و 4462.
32. Person .
33. شریفی، محمد، تحلیل قصص، ص 33.
34. میر صادقی، جمال، عناصر داستان، ص 250.
35. ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ﴾، و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است. تحریم: 11.
36. خراسانی، زهرا، اسرار ملکه صلح، صص 3-62، نشر فاضل، 1384، چاپ اول، قم.
37. نام حضرت نوح 43 بار در قرآن تکرار شده است.
38. نام حضرت آدم 25 بار در قرآن تکرار شده است.
39. نام حضرت عیسی هم 25 بار در قرآن تکرار شده است.
40. نام حضرت موسی 136 بار در قرآن تکرار شده است و این نام بیشترین آمار تکرار در قرآن را به خود اختصاص داده است.
41. نام حضرت محمد چهار بار و در سوره های: آل عمران - 144 و احزاب - 40 و فتح - 29 و محمد - 2 تکرار شده است.
42. نام حضرت ابراهیم 69 بار در قرآن تکرار شده است.
43. نام حضرت لوط 27 بار در قرآن تکرار شده است.
44. نام حضرت هود 21 بار در قرآن تکرار شده است.
45. ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: 33)



46. ﴿ قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَنَا وَنَسَاءَكُمْ وَأَبْنَاءَكُمْ وَنَفْسَنَا وَنَفْسَكُمْ ثُمَّ نَنْهَيْهِمْ فَتَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ ﴾ (آل عمران : 61)

47. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 3 و 353 سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی

تفسیر المأثور، ج 2، ص 39 و زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، ج 2، ص 56.

48. حسکانی، عبید الله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج 2 ص 394 و نخجوانی، نعمت الله بن محمود،

الفواتح الالهیه و المفاتیح الغیبیه، ج 2 ص 47 و ابن جزی غرناطی، محمد بن احمد، کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، ج

2 ص 437 و رشیدالدین میبیدی احمد بن ابی سعد، کشف الاسرار وعده الابرار، ج 10 ص 319 .

49. البته شاید بتوان گفت آیه 8 سوره انسان جزو داستانهای قرآن نیست و لیکن این آیه شریفه، می تواند شاهد

مؤیدی برای مطلب ما در این قسمت باشد.

50. تحریم : 66.

51. قصص : 23.

52. قصص : 28.

53. ﴿ وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى ﴾ (ضحی: 5). خاصه وعامه ذیل آیه یاد شده تصریح کرده اند که مراد از

بی نیاز ساختن پیامبر، مال و بخشش خدیجه سلام الله علیها بود که همه را در طبق اخلاص نهاد و برای پیشرفت دین

مبین اسلام آن را در اختیار پیامبر خدا قرار داد. نک: طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 2،

ص 311 و مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، ج 30، ص 186 و زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق

غوامض التنزیل، ج 4، ص 768 و مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 27، ص 105 و طبرسی، فضل بن حسن،

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 10، ص 768 و ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، ج 30، ص 354 و

...



54. تحریم: 10.
55. مسد: 4.
56. تحریم: 4. آن دو زن حفصه و عایشه بودند که تفاسیر عامه نیز به این مساله اذعان کرده اند. نک: زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، ج 28، ص: 309 و سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج 6، ص: 242 و آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج 14، ص: 347 و دیگر تفاسیر عامه.
57. قنادی، صالح، قصه های قرآن، ص 52-54.
58. "و داستان دو فرزند آدم را بحق بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرّب (به پروردگار) انجام دادند؛ اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: «(من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد! \* اگر تو برای کشتن من، دست دراز کنی، من هرگز به قتل تو دست نمی گشایم، چون از پروردگار جهانیان می ترسم!». مائده: 27 و 28.
59. قصص: 25.
60. بقره: 25 و نساء: 13 و 57 و 122.
61. الرحمن: 72، واقعه: 22.
62. انسان: 6 و مطففین: 28 و زخرف: 71 و ....
63. نک: سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، ص: 567 و مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 25، ص: 156 و حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، ج 13.



- ص: 233 و قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، ج 11، ص: 244 و ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج 9، ص: 352.
64. "پروردگارا! برای من خانه‌ای در بهشت در جوار خودت بنا کن و مرا از فرعون و اعمالش رهایی بخش و مرا از این قوم ظالم نجات ده" تحریم: 11.
65. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 24، ص: 303.
66. عبد الرحمن بن داوود، منی نبت، منهج الدعوه الی القصیده فی ضوء القصص القرآن، نشر ابن حزم، بیروت، 1419، چاپ اول، ص 65.
67. تحریم: 11.
68. (یعنی شیر دادن به نوزاد) بقره: 233.
69. طلاق: 4.
70. بقره: 234.
71. هود: 70.
72. قصص: 5.
73. آل عمران: 42 و 43 و 45.
74. تورات، سفر تکوین (1:3).
75. اعراف: 19.
76. احزاب: 35.
77. اعراف: 20 و 21.
78. اعراف: 22.





79. تحریم : 11.
80. تحریم : 10.
81. مریم : 18 و 23.
82. قصص: 25، البته در این آیه شریفه دلالت صریحی نسبت به مطلب یاد شده وجود ندارد و هیچ تفسیری هم به این نکته اشاره نکرده است، مگر اینکه بگوییم درخواست دختر حضرت شعیب برای استخدام حضرت موسی به صورت غیر مستقیم درخواست ازدواج با وی بوده است که با توجه به روایات زنان در این باره که درخواست خود را به صورت غیر مستقیم بیان می‌کنند، این مطلب بعید نیست. والله العالم.
83. قصص: 9 و یوسف : 21.
84. یوسف : 23.
85. الخطیب عبدالکریم، القصص القرآنی فی منطوقه ومفهومه، ص 110. دار المعرفه، چاپ 2، بیروت، 1975.
86. نمل: 32-35.
87. یوسف : 51.
88. تحریم : 10.
89. قصص: 9 و تحریم : 11.
90. مسد: 4.
91. مریم : 28.
92. تحریم : 12.
93. قصص : 25.
94. یوسف: 23.

95. قصص: 9.
96. قصص: 10.
97. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 11، ص: 141.

منابع:

1. ابن جزى غرناطى، محمد بن احمد، التسهيل لعلوم التنزيل، شركت دار الارقم بن ابى الارقم، بيروت، 1416 ق، چاپ: اول.
2. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، بی جا، بی تا.
3. ابوالحسن احمد بن فارس ابن زکریا همدانى، معجم مقائیس اللغة، بيروت، دارالجیل، چاپ اول.
4. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، نشر دار صادر، بيروت، 1414 ق.
5. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بيروت، 1415 ق.
6. پروینی، خلیل، تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان های قرآن، نشر فرهنگ گستر، تهران، 1379 ش، چاپ اول.
7. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، دار إحياء التراث العربی، بيروت، 1422 ق، چاپ اول
8. حسکانی، عبید الله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1411 ق، چاپ اول.



9. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، چاپ اول، انتشارات میقات، تهران، 1363 ش.
10. خراسانی، زهرا، اسرار ملکه صلح، نشر فاضل، قم، 1384 ش، چاپ اول.
11. الخطیب عبدالکریم، القصص القرآنی فی منطوقه ومفهومه، دار المعرفه، بیروت، 1975 م، چاپ دوم.
12. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، چاپ اول، دارالعلم الدار الشامیة، دمشق و بیروت، 1416 ق.
13. رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، كشف الأسرار و عدة الأبرار، انتشارات امیر کبیر، تهران، 1371 ش.
14. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، مکتبه الحیاه، بیروت، بی تا.
15. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، چاپ دوم، دار الفکر المعاصر، بیروت - دمشق، 1418 ق.
16. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، دار الکتب العربی، بیروت، 1407 ق.
17. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، چاپ اول، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، 1406 ق.
18. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، چاپ اول، نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، 1404 ق.
19. شریفایی، محمد، تحلیل قصص، نشر مهر امیر المومنین ع، 1382 ش، قم، چاپ اول.
20. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، قم، 1417 ق.
21. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، چاپ سوم، نشر کتابفروشی مرتضوی، تهران، 1375 ش.
22. عبد الرحمن بن داوود، منی نبت، منهج الدعوه الی التصیده فی ضوء القصص القرآن، نشر ابن

- حزم، بیروت، 1419، چاپ اول، ص 65
23. عمید، حسن، فرهنگ عمید، نشر امیرکبیر، تهران، 1387ش.
24. فروردین، عزیزه، زیبایی شناسی هنری در داستان های قرآن، قم، 1384 ش، چاپ اول.
25. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ اول، دارالهجره، قم، 1363ش
26. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، بنیاد بعثت، تهران، 1377 ش.
27. قنادی، صالح، قصه های قرآن، آشنایی با معارف قرآن تفسیر موضوعی، نشر سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، قم 1381، چاپ اول.
28. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، سازمان لغت نامه، تهران، 1258 - 1334 ش.
29. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، انتشارات ناصر خسرو، تهران، 1372 ش.
30. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
31. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، دار الکتب الإسلامیة، تهران، 1374 ش.
32. میر صادقی، جمال، عناصر داستان، نشر شفا، تهران، 1367ش، چاپ اول.
33. نخجوانی، نعمت الله بن محمود، الفواتح الالهیه و المفاتیح الغیبیه، دار رکابی للنشر، چاپ مصر، 1999م، چاپ اول.

